

داعش، نقشه راه امپریالیستی!

شباهنگ راد

بر تنش منطقه و با ائتلاف بیش از 40 کشور و به سر کرده‌گی امپریالیسم امریکا، افزوده شده است. پیشاپیش سنایور را نوشته‌اند، صحنه را آماده و سلاح‌ها را تدارک دیده‌اند و بازی‌گران اصلی - این دوره - را انتخاب نموده‌اند تا شعله‌های جنگ‌های ارتجاعی را گسترده‌تر نمایند. نظر به پایانی چنین جنگ‌هایی از جانب جانین بشریت نیست. یکی پس از دیگری دارد بر فضای خانه‌ی محرومان و بر جوامعی منطقه‌ی خاورمیانه سنگینی می‌کند. باز تولید عناصر، نیروها و دسته‌جات ارتجاعی از جانب قدرت‌مداران بین‌المللی هم تمام شدنی نیست و هر از چند گاهی حامیان جیره‌خوار و مزدور، دارند به دستور اربابان‌شان به‌عنوان میدان‌دار و پیش‌برنده‌ی سیاست‌های امپریالیستی، ایفای نقش می‌نمایند. اگر نه‌گویم که چنین جریان‌ات و دسته‌جات ارتجاعی، تاریخ مصرفی داشته، بلکه و به جرأت می‌توان گفت که هر یک از آنان، در دوره‌ی معینی، صحنه گردان اصلی سیاست‌ها و پی‌گیر منفعت سرمایه‌داران جهانی در منطقه و در جوامعی متفاوت‌اند.

این‌بار داعش را علم نموده‌اند و دارند به‌عنوان دشمن اصلی مردم، و به‌عنوان پرچمدار نقض دموکراسی و زیر پا گذاشتن حقوق پایه‌ای انسان‌ها به دنیا معرفی می‌نمایند؛ این‌بار داعش را در مقابل سازنده‌گان جوامعی انسانی به صف نموده‌اند تا نقشه‌های شوم خود را پی‌گیرند؛ داعشی که تغذیه‌ی مالی و تسلیحاتی آن، از جانب امپریالیست‌هاست و کم‌ترین شک و تردیدی، از تعلق وی، به طبقه‌ی بالائی‌ها نیست. خودی‌های‌شان دارند می‌گویند و بارها و بارها اعلام نموده‌اند که القاعده و داعش، دست‌پروده‌ی ماهاست و به‌منظور منفعت و منافع خاصی علم شده‌اند. پُر واضح است که تاریخ پیدایش، و اهداف این‌دست، دسته‌جات مسلح و ارتجاعی در منطقه‌ی خاورمیانه تازه‌گی - نه‌داشته و - نه‌دارد و طبعاً، داعش نه‌ آخری، بل از جمله بازی‌گر این دوره‌ی سیاست‌های امپریالیستی - و آن‌هم از نقشه‌راه‌های کنونی امپریالیست‌ها - در منطقه می‌باشد. چرا که قرار نیست شعله‌ی جنگ‌های ارتجاعی و مخرب، فروکش شود؛ قرار نیست تا مردم منطقه، روی آرامش و آسایش را در زندگی روزمره‌ی خود لمس نمایند؛ قرار نیست تا بزم سرمایه‌داران، آینده از آن توده‌های محروم باشد. کارگر و زحمت‌کش را دارند به فجیع‌ترین شکل ممکنه مورد تعرض و یورش قرار می‌دهند تا چرخش سیاست‌ها و زیاده‌خواهی‌های سرمایه‌داران بین‌المللی، دچار اخلاص نه‌گردد و از مسیر دل‌بخواه باز نه‌ ایستند.

در حقیقت نگاه به تصاویر مخابره شده از میادین جنگ‌های ارتجاعی، بر این حقایق آشکار صحنه می‌گذارد که در چنین جنگ‌هایی، مردم ذینفع - نبوده و - نیستند و به‌عنوان بازنده‌گان واقعی آن‌ها به حساب - آمده و - می‌آیند. این جنگ‌ها، جنگ جناح‌های رقیب، بر سر هژمونی و بر سر چپاول هر چه بیش‌تر منابع طبیعی و ایجاد رعب و وحشت گسترده‌تر مردم است. جنگ‌ها و گُشت و گُشتاری که چشم‌اندازی در پایانی کوتاه مدت آن نیست و آن‌چنان تکان‌دهنده، فجیع و دردناک است که با هیچ کلمات و مفاهیمی نمی‌توان از در توضیح آن‌ها بر آمد. جانین بشریت و حامیان رنگارنگ‌شان به دروغ دارند خود را منادی و ناجی مردم معرفی می‌نمایند و قیافه‌ی سازنده‌گان جوامعی بشری را به‌خود می‌گیرند. چپاول، ستم، استثمار و تخریب خانه و کاشانه‌ی مردم و هم‌چنین راه‌اندازی جنگ‌های ارتجاعی از زمره وظایف اولیه و پایه‌ای‌شانرا تشکیل می‌دهد و کار و بارشان و برخلاف اراجیف اوباما مبنی بر این‌که "آینده متعلق به کسانی است که می‌سازند نه آنانی که خراب می‌کنند" نیست. به این دلیل که اوباما و دیگر هم‌قطاران‌اش آمده‌اند تا اموال عمومی جوامعی سرشار از منابع طبیعی را غارت نمایند؛ آمده‌اند تا تتمه‌های کارگران و زحمت‌کش‌ان را به جیب‌زند؛ بنابر این و بی‌جهت دارند خود را در مقام و منصب ناجیان بشریت قرار می‌دهند. دیروز با بازی و با برگ القاعده به‌میدان آمده‌اند و امروزه، داعش را به‌عنوان صحنه گردان سیاست‌های ناتمام‌شان به صف نموده‌اند. آری، دارند داعش را به‌عنوان یک نیروی باز دارنده‌ی پیش‌رفت انسانی به دنیا معرفی می‌نمایند و دارند نیروی بس عظیمی را در جهت "مبارزه" و "تلاشی" نهایی مرتجعین و

وابسته‌گان به سرمایه سازمان می‌دهند. در حاشیه و تاکید بر یک‌موضوع به نابه‌جا نیست که هم‌سو شدن با چنین فضایی، بر روند و بر مسیر رو به بالنده‌ی جنبش‌های اعتراضی خالص اثر منفی خواهد گذاشت و امر انقلاب را، به تأخیر و در حقیقت به موضوع حاشیه‌ای و دست‌چندمی مبدل خواهد ساخت. تشخیص چنین موردی از یک‌سو و تلاش به‌منظور تغییر آن و سمت‌وسو دادن جهت اصلی مبارزه و نشانه‌گیری عملی، به سمت مبتکران و مولدان چنین وضعیتی از سوی دیگر، از ضرورت‌هاست.

واقعیت این است که بر خلاف بلندگوهای امپریالیستی، داعش، در دنیای سراسر رشد و تکنولوژی سرمایه، و در دنیای حاکمیت سلاح‌های مدرن و کشف‌کننده، نیروئی غیر قابل کنترل نیست؛ نیاز به این‌همه لشکرکشی و تبلیغات؛ نیاز به این‌همه بسیج انسانی و سرازیر نمودن تسلیحات به منطقه - نبوده و - نمی‌باشد؛ نیاز به آن نیست تا نقشه‌ی سال‌ها مبارزه با این نیروی دست‌ساز را در دستور کار خود قرار داد و فضای منطقه را میلیتاریزه‌تر نمود؛ نیاز به آن نیست تا پیش‌رفته‌ترین سلاح‌ها و "کارآمدترین" عناصر سرمایه را در منطقه به صف نمود تا تفاله‌ی دیگری از سرمایه را، از بازی‌های سیاسی منطقه دفع و خارج نمود. به بیانی دیگر، هدف قدرت‌مداران بین‌المللی و گرداننده‌گان اصلی جنگ، نه مبارزه با داعش، بل گسیل هر چه بیش‌تر نیروی سرمایه و هم‌چنین راه‌اندازی هواپیماهای جنگی و استفاده‌ی سلاح‌های مدرن امپریالیستی و فراداده‌های کلان تسلیحاتی و آن‌هم به بهانه‌ی مبارزه با تروریست و داعش است؛ هدف تثبیت مجدد هژمونی دنیا و منطقه‌ی خاورمیانه از جانب امپریالیسم امریکاست و بر بستر چنین اهداف و سیاستی‌ست که دارند، نقشه و راه‌های گوناگون را در مقابل خود قرار می‌دهند.

به هر حال و فارغ از ماهیت چنین جنگ‌هایی، پرسش آن است که آیا چنین اوضاع و آشوب‌هایی، فاقد مدیریت و هدایت‌گری‌ست و آیا می‌توان علی‌رغم مخالفت‌های میلیونی طبقات پائین، روندکنونی را متغییر ساخت و سیاست جنگی دیگری را، به جوامعی زیر ستم و هم‌چنین به مبتکران و گرداننده‌گان اصلی آن تحمیل نمود؟ آیا می‌توان مسیر و شکل دل‌بخواهی سرمایه‌داران بین‌المللی را بر گرداند و جامعه را به سمت جنگی انقلابی و ثمربخش هدایت نمود؟

طبعاً پاسخ به پرسش‌های فوق در درجه‌ی نخست، به انجام کارهای مهم و اساسی، و به توضیح و تشریح همه جانبه‌ی سیاست‌ها و ماهیت طرفین درگیر در جنگ کنونی - کوبانی - ، و در ثانی در اقدام عملی انقلابیون و کمونیست‌ها و آن‌هم بدون چشم‌داشت و کمک از سرمایه‌داران بین‌المللی و بویژه امپریالیسم امریکا. و دیگر دار و دسته‌های‌شان بر می‌گردد. به آن بر می‌گردد تا سیاست مستقل خود را بورطه‌ی عمل گذاشت و با مرزبندی عملی و قاطع - و آن‌هم در صفی جداگانه -، دست رد به سینه‌ی "مخالفین" داعش زد. انتخاب چنین رفتار و کرداری از جانب نیروها و سازمان‌های مردمی و کمونیستی، پیش‌رفت و روند کنونی سیاست‌های امپریالیستی در منطقه را کند، و در ادامه و گام به‌گام، صف جنگ‌های ارتجاعی و بدون برنامه‌ی روشن و هدف‌مند را، به صف جنگ‌های روشن و هدف‌مند و به صف جنگ‌های انقلابیون با ضد انقلابیون مبدل خواهد ساخت. اگر نه‌گوئیم در دهه‌های دُور، ولی و به جرأت می‌توان گفت که از زمان فروپاشی کامل بلوک شرق، دنیای انسانی، کم‌تر شاهد بر انگیخته‌گی و تعرض سازمان‌یافته‌ی کمونیست‌ها و مردمی علیه‌ی ضد انقلاب حاکم و مسلح بوده است. دهه‌هاست که شاخصه‌های مبارزاتی - و نابه‌ده‌ها دلیل - و هم‌چنین اولویت‌های مردم دنیا و بویژه منطقه‌ی خاورمیانه - و به دلیل اتخاذ سیاست‌های فریب‌کارانه‌ی سرمایه‌داران بین‌المللی - تغییر یافته است و مسیر اعتراضات مردمی دارد علی‌رغم تمایل باطنی‌شان، به سمت‌وسوی دیگری هدایت می‌شود. مدت‌هاست که تقلای سرمایه‌داران صد چندان شده است و دارند بار بحران ناعلاج‌شانرا بر دوش میلیاردها انسان محروم سرشکن می‌نمایند. به تبعی آن‌ها شاهد بوده‌ایم که چگونه ورشکسته‌گی ده‌ها بانک امریکایی و اروپائی، در چند سال اخیر، بر فضای اقتصاد دنیای کنونی و هم‌چنین بر فضای زنده‌گانی میلیاردها انسان محروم اثر گذاشته و باعث وحشی‌گری سرمایه‌داران بین‌المللی از یک‌سو، و اعتراضات و نارضایتی هر چه بیش‌تر کارگران و توده‌های ستم‌دیده‌ی اقضا نقاط جهان، از سوی‌دیگر گردیده است. اعتراضات و اعتصابات که دمار از روزگار جانیان بشریت

در آورده و باعث گردیده است تا امپریالیست‌ها، با اتخاذ سیاست‌ها و تاکتیک‌های تازه و هم‌چنین با علم نمودن جریان‌های ارتجاعی و وابسته، مناسبات گنبدیده‌ی خود را هم‌چنان به مردم تحمیل نمایند. مخالفتی در آن نیست که اوضاع جهان بسیار وخیم و در هم ریخته، پُر آشوب و به تار موئی بند است. خیابان‌ها هر لحظه در انتظار سرازیر شدن مردم و به مصاف طلبیدن طبقه‌ی سرمایه‌داری‌ست. بحران بر تار و پود سرمایه ریشه دوانده است و علی‌رغم چنین اوضاع و در هم ریخته‌گی‌ای، قدرت‌مداران بین‌المللی دارند با نقشه و با مدیریت روشنی به میدان می‌آیند؛ دارند با انتخاب سیاست "ریاضت‌کشی" توأم با هجوم افسار گسیخته و راه‌اندازی جنگ‌های خانمان‌سوز و مخرب، بر حیات بناحق خود تداوم می‌بخشند و عناصر، نیروها و دسته‌جات مسلح و ارتجاعی جدیدی را در چهارچوبه‌ی منفعت استراتژیک‌شان به صف می‌کنند. سیاست و منفعتی که اجرایی و پیشرفت آن‌ها، منوط به بازی‌گران تازه، و منوط به تغییر صوری و روپنایی بعضاً جوامعی زیر سلطه و جابه‌جایی دیکتاتور‌هاست.

بنابر این، طالبان، القاعده، حزب‌الله، اخوان‌المسلمین و النصر و غیره و به تازه‌گی‌ها داعش، در خدمت به انجام چنین راه و نقشه‌ای‌ست و بدون کمترین شک و شبهه‌ای، این‌دست دسته‌جات و گروه‌های مسلح، تفاوت ماهوی‌ای با یک‌دیگر نداشته و یکی پس از دیگری، پی‌گیر همان سیاست‌ها و خواسته‌های قدرت‌مداران بین‌المللی در دنیا و در منطقه‌ی خاورمیانه‌اند. در حقیقت همه‌ی این‌ها از یک تبار و از یک قماش‌اند و هیچ‌یک از آنان در صف آزادی‌خواهان، و هیچ‌یک از آنان مدافع و تضمین‌کننده‌ی سازنده‌گی و آبادانی و هم‌چنین تأمین‌کننده‌ی خواسته‌های بدیهی میلیون‌ها انسان دردمند نیستند. ترسیم جهان سراسر آزاد و هم‌چنین محترم شمردن به حقوق انسان‌ها، بر عهده‌ی آنان نیست و همه‌ی آنان مستحق نابودی و دفن‌اند. در یک کلام و متأسفانه باید اذعان نمود که صفوف جنگ‌کنونی، علی‌رغم تسلیح مردمی و زنان و جوانان- و بویژه کوبانی‌ها -، پُر ابهام و ناروشن است و می‌بایست با درایت و با هوشیاری تمام، جبهه‌ی علیه‌ی داعش را - و آن‌هم با برنامه‌ی سنجیده و دقیق -، به جبهه‌ای وسیع‌تر و علیه‌ی تمامی جنایت‌کاران و گرداننده‌گان اصلی آن در منطقه تبدیل نمود. بدون کمترین تردیدی، چرخش اوضاع و خروج از چنین وضعیتی در پاسخ‌گوئی و در سازمان‌دهی جنبش‌های اعتراضی - مردمی، و آن‌هم در بستر جنگی انقلابی توسط کمونیست‌هاست. تا زمانی‌که جنبش‌های اعتراضی - کمونیستی در تقابل با نقشه‌ها و راه‌های گوناگون امپریالیست‌ها به صف نه شوند، اوضاع مردم دنیا و بویژه مردم منطقه‌ی خاورمیانه، دردناک‌تر و وخیم‌تر خواهد شد.

اکتبر 2014

شهریور 1393

بر گرفته از پیام سیاهکل شماره 23 - سازمان نوزده بهمن